فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۱، تابستان ۹۷، صفحات ۸۶-۵۹

واکاوی سرمایه‌ی اجتماعی و اشتراک و تبادل دانش بین دانشجویان دختر در یک دانشگاه تک‌جنسیتی

موسی اعظمی[۱]، کریم نادری‌مهدیی[۲]، لیلا زلیخائی‌سیار[۳]، مهرداد پویا[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹٦/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

چکیده

هدف مقاله‌ی حاضر، بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تبادل دانش و تجربه بین دانشجویان دانشگاه تک‌جنسیتی نهاوند بود که با رویکرد پیمایشی انجام شد. جامعه‌ی آماری دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی در چهار رشته‌ی تربیت‌بدنی، مهندسی صنایع، گیاهان دارویی و ترویج و آموزش کشاورزی بود که با توجه به محدود بودن تعداد آن‌ها از روش تمام‌شماری استفاده گردید (۹۸ نفر). برای گردآوری داده‌ها در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی از مقیاس استاندارد ناهاپیت و گوشال[۵] (۱۹۹۸) و پاتنام[٦] (۲۰۰۰) بهره گرفته شد و مؤلفه‌های تبادل دانش نیز از پرسش‌نامه‌ی سازمان یادگیرنده واتکینز و مارسیک اقتباس گردید. پایایی ابزار سنجش، پس از رواسازی مجدد آن توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، به وسیله‌ی آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد که به طور متوسط عدد ۰/۸۲ به دست آمد. برای بررسی و تحلیل روابط بین متغیرهای مکنون («تبادل دانش و تجربه» و «سرمایه‌ی اجتماعی») و آشکار از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. بررسی شاخص سرمایه‌ی اجتماعی در میان دانشجویان نشان داد که میانگین این مؤلفه بالاتر از حد متوسط بوده ولی تبادل دانش و تجربه در حد متوسط قرار دارد. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی بر تمامی مؤلفه‌های تبادل دانش و تجربه تأثیر مستقیم و معنادار داشته است.

واژه‌های کلیدی: اشتراک دانش؛ دانشجویان دختر؛ دانشگاه تک‌جنسیتی؛ سرمایه‌ی اجتماعی؛ مدل‌سازی معادلات ساختاری.

[۱] دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان(نویسنده‌ی مسئول) aazamialirez@yahoo.co.uk

[۲] دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان knadery@basu.ac.ir

[۳] دانشجوی دکتری توسعه‌ی کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان la.zolikhai@gmail.com

[٤] دانشجوی دکتری توسعه‌ی کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا و عضو هیأت علمی دانشگاه نهاوند mehrdadpouya@yahoo.com

[5] Nahapiet & Ghoshal

[6] Putnam

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقدمه

دانش به عنوان یک عنصر توانمندساز و منبع مهم در ایجاد مزیت رقابتی پایدار در سازمان‌ها بوده (چن و لاورن[۱]، ۲۰۱۱: ٤٦؛ هیسمان و ولف[۲]، ۲۰۰٦: ٤٤؛ آرگوت و اینگرام[۳]، ۲۰۰۰: ۱۵۱) که بخش قابل توجهی از آن در جریان تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد (شو[٤]و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲۵). فرآیند انتقال دانش از یک سازمان به سازمانی دیگر و یا از یک شخص به شخصی دیگر زمینه‌ی ایجاد خلاقیت، نوآوری، انعطاف‌پذیری و دسترسی به ایده‌های جدید را فراهم ساخته (فیلیبر و آلگازایو[۵]، ۲۰۱٤: ۷۲۸) و این فرآیند معمولا با تغییراتی در افراد گیرنده همراه است که می‌تواند در نهایت به تغییر در فرهنگ یک جامعه منجر شود. به همین دلیل، با سطح بالایی از عدم قطعیت و ریسک مواجه بوده و این امر به ویژه زمانی که دانش منتقل‌شده جدید باشد؛ از اهمیت زیادی برخوردار است (چن و لاورن، ۲۰۱۱: ۵۰). در همین راستا، برخی صاحب‌نظران نظیر سولانسکی[٦] (۱۹۹٦) معتقدند که فقدان اعتماد و اطمینان بین منبع دانش و گیرنده، و همچنین فقدان روابط متقابل بین آن‌ها، فرآیند تبادل دانش را با مشکل مواجه می‌کند. از این‌رو، روابط اجتماعی بین افراد و انسجام و پیوستگی بین آن‌ها نقش به‌سزایی در این فرآیند داشته و نیازمند مشارکت فعال طرفین است (برسمن[۷]و همکاران،۱۹۹۰: ٤٤۰). علاوه بر این، اندیشمندان مختلفی بر اهمیت روابط اجتماعی بین افراد در فرآیند انتقال و تبادل دانش تأکید نموده و برای تبیین این فرآیند، از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی استفاده نموده‌اند (اسمدلوند[۸]، ۲۰۰۸؛ مک‌الروی[۹] و همکاران، ۲۰۰٦؛ ویدن-وولف و گین‌من[۱۰]، ۲۰۰٤؛ یلای-رنکو[۱۱]و همکاران، ۲۰۰۱؛ کوهن و پراسکا[۱۲]، ۲۰۰۱؛ لسر[۱۳] ، ۲۰۰۰). کوت و زندر[۱٤] نیز تبادل دانش را اساساً یک فرآیند اجتماعی می‌دانند و معتقدند که اولین گام در خلق و انتقال دانش در یک سازمان، درک ساختار اجتماعی آن سازمان

[1]Chen & Lovvorn
[2]Huysman & Wulf
[3]Argote & Ingram
[4]Shu
[5]Filieri & Alguezaui
[6]Szulanski
[7]Bresman
[8]Smedlund
[9]McElroy
[10]Widen-Wulff & Ginman
[11]Yli-Renko
[12]Cohen & Prusak
[13]Lesser
[14]Kogut & Zander

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

است (کوت و زندر، ۱۹۹۲: ۳۸۵). افراد دیگری مانند یلای-رنکو و همکاران نیز چنین استدلال می‌کنند که یک سازمان می‌تواند از روابط بیرونی خود برای اکتساب دانش استفاده نموده و این امر مشروط به میزان سرمایه‌ی اجتماعی نهفته در این روابط است. از این‌رو، تعاملات اجتماعی تنگاتنگ و نزدیک بر کارایی و اثربخشی فرآیند تبادل دانش افزوده و زمینه را برای ابتکار عمل و ارائه‌ی راه‌کارهای خلاقانه به منظور حل مشکلات موجود فراهم می‌سازد (یلای-رنکو و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۷۸). از سوی دیگر، ناهاپیت و گوشال[1]، گسترش اعتماد و شبکه‌ی روابط بین افراد را سرمایه‌ی اجتماعی نامیده و آن را یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم سازمانی تلقی می‌کنند. ایشان به تشریح پیوند بین سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فکری و مدیریت دانش پرداخته و معتقدند که منابع سرمایه‌ی اجتماعی (شامل انسجام و همکاری اجتماعی) در بافت اجتماعی سازمان‌ها نهفته بوده و به عنوان یک عنصر اساسی برای ایجاد، تسهیم و مدیریت دانش محسوب می‌شود. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، سرمایه‌ی اجتماعی حمایت‌کننده و یکی از ملزومات اساسی در فرآیند تبادل دانش محسوب می‌شود (پارک و لی[2]، ۲۰۱٤: ۱۵۳؛ چانگ و چیونگ[3]، ۲۰۱۱: ۹؛ یانگ[4] و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۵؛ مانینگ[5]، ۲۰۱۰: ۸٤). لسر نیز معتقد است که افزایش دانش سازمانی یکی از مهم‌ترین محرکه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است و بر اهمیت مدیریت دانش به عنوان مهم‌ترین منبع ایجاد مزیت رقابتی تأکید می‌کند. وی معتقد است جوامعی که از سطوح بالای اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی برخوردارند؛ جوامع فعال و موفقی هستند که یادگیری اجتماعی به خوبی در آن‌ها اتفاق می‌افتد (لسر، ۲۰۰۰: ۹). در چنین شرایطی افراد از فرصت‌ها، توانایی‌ها و انگیزش بیش‌تری برای تبادل دانش برخوردارند (هیسمان و ولف، ۲۰۰٦: ٤۰). ادلر و ون[6] به منظور توضیح فرآیند تبادل و اشتراک دانش در قالب نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی یک چارچوب سه بعدی را پیشنهاد کرده‌اند. بعد اول، بعد ساختاری و فرصت‌هاست و به وجود یا عدم وجود فرصت‌ها در برقراری ارتباط با دیگران تأکید دارد و به عنوان بعد «فرصت ساختاری» شناخته شده است. بعد دوم، مربوط به بعد شناختی و توانایی‌ها می‌شود و به توانمندی برقراری ارتباط با دیگران مربوط است؛ این که در زمان برقرای ارتباط، افراد چه درکی از این فرآیند دارند. در نهایت بعد سوم، بعد

[1]Nahapiet & Goshal
[2]Park & Lee
[3]Chang & Chuang
[4]Yang
[5]Manning
[6] Adler & Kwon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

انگیزشی و ارتباطی است که به ماهیت روابط اجتماعی افراد در جامعه پرداخته و شامل اعتماد، احترام متقابل و تعهدات بین افراد است (ادلر و ون، ۲۰۰۲: ۲۰).

بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی از طریق تعامل بین افراد، فرآیندها و فناوری و ایجاد محیطی مبتنی بر مشارکت، همکاری و اعتماد متقابل، زمینه‌ی اشتراک، تبادل و انتقال دانش را در سازمان به منظور دستیابی به هدف‌های سازمانی فراهم می‌کند (ون[۱] و همکاران، ۲۰۱۶: ٤؛ ین[۲] و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۱٤؛ مو[۳] و همکاران، ۲۰۰۸: ۸٦). از این رو در فعالیت‌هایی مانند خلق و انتقال دانش آن چه بیشتر از هر عامل دیگر ضروری و تأثیرگذار است، عامل انسانی و تعامل افراد است که این مهم نیز در قالب سرمایه‌ی اجتماعی متبلور می‌شود. این تعاملات و ارتباطات (سرمایه‌ی اجتماعی)، فرآیندهای اشتراک دانش را تسریع و تسهیل می‌کنند(دیز-ویال و مونتورو-سانچز[٤]، ۲۰۱٤: ۲۷۷؛ منوریان[٥] و همکاران، ۲۰۱۳: ۸۲۷). ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی به ویژه اعتماد، شبکه‌ها، روابط و همکاری با اشتراک اثربخش اطلاعات، کنترل تغییر اطلاعات و کاهش هزینه‌های اجرایی و مدیریتی، افراد را به مشارکت و همکاری با یکدیگر و همچنین خلق و اشتراک دانش ترغیب نموده و این امر به نوبه‌ی خود فرآیندهای تبادل دانش را در سازمان تسهیل می‌کند. برای خلق و تبادل دانش باید سطح بالایی از اعتماد و خوش‌بینی در روابط اعضای سازمان با یکدیگر وجود داشته باشد(چیانگ[٦] و همکاران، ۲۰۱۱: ٦۰٦). در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی با فراهم‌آوری شرایط لازم از جمله ایجاد اعتماد و تعامل بین اعضای سازمان، ایجاد فرهنگ کارگروهی، افزایش هویت سازمانی، بسیج امکانات و منابع انسانی و گسترش روابط درونی و بیرونی سازمان، زمینه‌ی تولید دانش، اشتراک دانش و افزایش خلاقیت در سازمان را مهیا می‌کند و باعث توسعه‌ی مدیریت دانش در سازمان می‌شود (فاسین[۷] و همکاران، ۲۰۱٦: ۱؛ سشی[۸] و همکاران، ۲۰۱۱: ۲٤٥). بنابراین، چنان چه سازمانی بتواند هر چه بیشتر جو اعتمادسازی و همچنین تعاملات و همکاری‌های بین شبکه‌ای را در میان کارکنان خویش در داخل گروه‌ها و واحدهای سازمانی افزایش دهد، بیش‌تر می‌تواند

[1] Van
[2] Yen
[3] Mu
[4] Díez-Vial & Montoro-Sánchez
[5] Monavvarian
[6] Chiang
[7] Faccin
[8] Sechi

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نسبت به اثربخشی مبادلات اطلاعاتی و در نتیجه، مدیریت اثربخش دانش سازمانی اطمینان حاصل کند (شارع‌پور، ۱۳۸٤: ١٦).

با توجه به ادبیات نظری موجود در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن را می‌توان در سه بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی خلاصه نمود. اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با یکدیگر تبلور می‌یابد و هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بیش‌تر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیش‌تری برخوردار است؛ اما مشارکت اجتماعی به معنی شرکت فعال و سازمان‌یافته‌ی افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره جامعه است؛ به گونه‌ای که حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع، حاصل آید. انسجام‌اجتماعی نیز به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خود، تطابق و همنوایی داشته و در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل بین کنش‌گران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است (بهشتی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۷).

اشتراک دانش، موضوع اصلی این تحقیق است و فرض بر این است که می‌تواند در صورت وجود سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های مؤثر آن بهتر و سریع‌تر مبادله شود. اشتراک دانش، فرآیندی است که از طریق آن، افراد به تبادل دو جانبه‌ی دانش خویش با یکدیگر پرداخته و به این وسیله فرصت برای یادگیری تجربه‌های جدید و فرصت برای تمرین و به اجرا گذاشتن تجربه‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌ها فراهم می‌گردد. به تعبیری، تبادل دانش، مجموعه‌ای از رفتارهاست که مستلزم مبادله‌ی اطلاعات یا کمک به دیگران می‌باشد (یو[1] و همکاران، ۲۰۰۹: ۳٤۰). اندیشمندانی مانند داونپورت و پروساک[2] تبادل دانش را به عنوان مخلوط سیالی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات زمینه‌ای و بینش تخصصی در نظر می‌گیرند که چارچوبی را برای ارزشیابی و ادغام تجربیات و اطلاعات جدید فراهم می‌کند (داونپورت و پروساک، ۱۹۹۸). کرومیناسولر[3]، فرآیند تبادل دانش را یک پدیده‌ی جمعی می‌داند و معتقد است تنها از سوی افرادی عملی است که دسترسی کاملی به دانش داشته و از توانایی بالایی در ادغام عقاید و تجارب برخوردار باشند. بر این اساس، تبادل

[1] Yu
[2] Davenport & Prusak
[3] Coromina Soler

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

دانش برای افرادی مقدور است که ظرفیت‌های پویایی برای تحصیل یکپارچگی دانش فراهم کنند (کرومیناسولر، ۲۰۰٦: ۱۰). در فرآیند اشتراک دانش، زمانی که افراد اطلاعات، فعالیت‌های مؤثر، دیدگاه‌ها، تجربیات، مزیت‌ها، درس‌های آموخته‌شده‌ی عملی یا غیر عملی خود را با سایر افراد به اشتراک می‌گذارند، موجب ارتقای خلاقیت و قدرت حل مسئله شده و عملکرد نوآورانه را از طریق توسعه‌ی توانایی‌های جدید بالا می‌برند (هادی‌زاده مقدم، قلیچ‌لی و محبی، ۱۳۹۲: ۱۸۹). در این راستا تعاملات و کنش‌های ارتباطی بین اعضا یک سیستم می‌تواند مهم‌ترین نقش را بر عهده داشته باشد. این تعاملات امروزه در قالب مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، توجه بسیاری از سیاست‌گذاران و مدیران را به خود جلب کرده است. مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف می‌شود. با وجود سرمایه‌ی اجتماعی بالا، امکان تبادل دانش و تجربه میسر می‌گردد (گل‌محمدنژاد و مهدوی، ۱۳۹۰: ۷۳). سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند توانایی افراد برای تبادل دانش را افزایش دهد؛ چراکه ظرفیت‌هایی را برای ایجاد تنوع در کارها فراهم نموده و به افراد در تشویق رفتارهای تعاونی و فعالیت‌های جمعی اثربخش کمک می‌نماید که این اقدامات خود اساسی برای تبادل دانش محسوب می‌شوند (ابیلی و زراع‌خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۷). برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند در جایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارد، افراد تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل همکارانه دارند. به عنوان نمونه، بنتیس[1] معتقد است که اعتماد می‌تواند ایجاد سرمایه‌ی فکری و دانش را تسهیل کند و هنجارهای همکاری می‌توانند پایه-ای قوی برای ایجاد سرمایه‌ی فکری به وجود آورند (بنتیس، ۲۰۰۱: ۲۹۵). استارباک[2] نیز اهمیت هنجارهای اجتماعی را مانند صداقت و کار تیمی، به عنوان ویژگی‌های کلیدی شرکت‌های دانش‌محور مطرح می‌کند (استارباک، ۱۹۹۵: ۷۱۸). بنابراین، افراد با سرمایه‌ی اجتماعی بالا بیش‌تر احتمال دارد که از دیگران طلب کمک و دانش کرده و در نتیجه هزینه‌های آموزش را برای به دست آوردن مهارت‌های مورد نیاز کاهش دهند و نهایتاً دانش خود را در زمان کوتاه‌تری بهبود بخشند (پنگ‌لین[3]، ۲۰۱۱: ۹۱۸).

[1] Bontis
[2] Sturbuck
[3] Peng Lin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات متعددی در دهه‌های اخیر توسط محققین مختلف در سراسر جهان در رابطه با موضوع این تحقیق انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از مطالعات خارجی می‌توان به تحقیق آیو[1] (۲۰۱۶) اشاره کرد که مطالعه‌ای با هدف کاربرد مدل نوآوری باز برای افزایش اشتراک دانش در دانشگاه ویتنام انجام داد. وی در مطالعه‌ی خود به این نتیجه دست یافت که اشتراک دانش بین جوامع علمی (دانشجویان-اساتید و مدیران دانشگاه) و مؤسسات اقتصادی، موجب حرکت دانشگاه‌ها به سمت فعالیت‌های پژوهش‌محور می‌شود. دسترنج[2] (۲۰۱۶) با استفاده از شیوه‌ی پیمایشی به بررسی ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت دانش پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد ارتباط معنی‌داری بین مدیریت دانش و سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد و سرمایه‌ی اجتماعی بر همه‌ی ابعاد مدیریت دانش تأثیر مثبت و معناداری داشته است. اسمیت[3] و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای با رفتار تسهیم دانش ضمنی در دانشگاه تکنولوژی آفریقای جنوبی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که بعد رابطه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تمایل افراد به رفتار تسهیم دانش است. لی[4] و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با استفاده از نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به تبیین رفتار تبادل دانش در خصوص توسعه‌ی نظام‌های دانش پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که مؤلفه‌های «سرمایه‌ی اجتماعی» و «اشتراک دانش» هر دو تأثیر معنی‌داری بر عملکرد گروه داشته‌اند و شاخص سرمایه‌ی اجتماعی نسبت به فناوری، تأثیر قوی‌تری بر فرآیند اشتراک و تبادل دانش داشته است. نتایج مطالعه‌ی عبداله[5] و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که اعتماد و همکاری بین افراد، نقش مهمی در فرآیند اشتراک دانش ایفا نموده و تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی در رفتار اشتراک و تبادل دانش اساسی است.از دیگر پژوهش‌های خارجی که به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر اشتراک و تسهیم دانش پرداخته‌اند، می‌توان به مطالعات السیفی[6] و همکاران (۲۰۱۶)، کاوالیر و لامباردی[7]

[1] Au
[2] Dastranj
[3] Smith
[4] Lee
[5] Abdullah
[6] Al Saifi
[7] Cavaliere & Lombardi

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

(۲۰۱۵)، زو[1] و همکاران (۲۰۱٤) و از مطالعات داخلی به پژوهش‌های نکونام و همکاران (۱۳۹٤)، رحیمی و محمدیان (۱۳۹٤) و غیره اشاره نمود.

آن چه می‌توان از ادبیات مرتبط و پژوهش‌های گذشته استنباط نمود این است که از یک طرف، رابطه‌ی مستقیمی بین سطح سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط و مبادله‌ی تجارب و دانش وجود دارد.از طرف دیگر، دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در یک دانشگاه تک‌جنسیتی نظیر دانشگاه نهاوند ممکن است به علت‌های مختلف از جمله تفاوت‌های زنان در محیط‌های یادگیری مستقل از مردان (بلنکی[2] و همکاران، ۱۹۹۷) به‌طور اعم، رفتار متفاوتی داشته باشند و به طور اخص از سطح سرمایه‌ی اجتماعی متفاوتی با دیگر دانشگاه‌ها برخوردار باشند. مطالعه‌ی چنین دانشگاه‌های نوپایی می‌تواند یافته‌های ارزشمندی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. بنابراین، در این جا تحلیل رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی با اشتراک و تبادل دانش در میان دانشجویان دختر دانشگاه تک‌جنسیتی نهاوند به عنوان هدف پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت.

روش پژوهش

در این تحقیق، از روش تحقیق کمی و پیمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. از آن جایی که دانشگاه نهاوند ویژه‌ی دختران است، جامعه‌ی آماری این مطالعه، دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی در چهار رشته‌ی تحصیلی تربیت‌بدنی، مهندسی‌صنایع، مهندسی تولیدات گیاهان دارویی و معطر و مهندسی کشاورزی - ترویج و آموزش کشاورزی گرایش گیاهان دارویی و معطر بودند. با توجه به محدودبودن تعداد دانشجویان از روش تمام‌شماری استفاده شد که شامل کلیه‌ی دانشجویانی بودند که در خوابگاه فرزانگان اقامت داشتند. بنابراین، نمونه‌ی تحقیق شامل ۲٤ نفر از دانشجویان رشته‌ی مهندسی صنایع، ۳۱ نفر از دانشجویان رشته‌ی تربیت‌بدنی، ۲۵ نفر از دانشجویان رشته‌ی تولیدات گیاهان دارویی و ۱۸ نفر از دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی بودند که در مجموع تعداد ۹۸ نفر را شامل می‌شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسش‌نامه بود که از سه بخش مشخصه‌های فردی پاسخگویان، پرسش‌های مرتبط با سنجش شاخص «سرمایه‌ی اجتماعی» و مؤلفه‌های «تبادل دانش و تجربه» تشکیل شده بود (جدول۱). برای

[1] Zhou
[2] Belenky

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

سنجش ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی از مقیاس استاندارد ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) و پوتنام (۲۰۰۰) استفاده شد و مؤلفه‌های تبادل دانش نیز از پرسش‌نامه‌ی سازمان یادگیرنده واتکینز و مارسیک[1] اقتباس گردید. پرسش‌نامه‌ی تبادل دانش برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ توسط واتکینز و مارسیک تدوین گردید. فرم اولیه‌ی این ابزار دارای چهار عامل اصلی بعد فردی، فناوری، سازمانی و عملکرد مالی بود که با توجه به اهداف این پژوهش تنها سه عامل اول آن مورد استفاده قرار گرفت. ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی نیز شامل سه مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی است که در قالب ۲۰ گویه تنظیم و بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت‌گونه (خیلی‌زیاد= ۵، زیاد= ٤، تا حدودی= ۳، کم= ۲ و خیلی‌کم= ۱) تدوین شد. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است که هدف آن مشارکت‌دادن و درگیرکردن افراد در فرآیندهای اجتماعی مختلف است و برای ارزیابی آن از ۸ گویه بهره گرفته شد. انسجام اجتماعی، دیگر مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بیانگر رابطه‌ی متقابل افراد و کمک گرفتن از دیگران می‌باشد که برای سنجش آن از ۸ گویه استفاده شده است. اعتماد اجتماعی سومین بعد سرمایه‌ی اجتماعی بوده و احساسی است که فرد یا افراد درباره چیزی دارند؛ البته آن چیزی که تأیید شده است. مؤلفه‌های «تبادل دانش و تجربه» نیز شامل سه بعد فردی، سازمانی و فناوری است که در ۲۰ گویه تنظیم و همانند پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، طبق مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت‌گونه مورد سنجش قرار گرفت. برای بررسی روایی مربوط به گویه‌های تبادل دانش و تجربه و همچنین سرمایه‌ی اجتماعی، ابتدا پرسش‌نامه در اختیار اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا قرار گرفت و در نهایت، اعتبار محتوایی وسیله‌ی اندازه‌گیری، با حذف و اصلاح تعدادی از گویه‌ها، حاصل گردید.

[1] Watkins & Marsick

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جدول شماره‌ی یک- بخش‌های مختلف پرسش‌نامه به همراه تعداد گویه‌ها

بخش	زیربخش	تعداد سوالات	مقیاس سنجش
ویژگی‌های فردی	سن، معدل، مدت اقامت در خوابگاه، رشته‌ی تحصیلی	۵	مقیاس‌های اسمی و نسبی
سرمایه‌ی اجتماعی (SC)	مشارکت اجتماعی (SP)	۸	طیف لیکرت ۵ سطحی خیلی‌کم=۱ تا خیلی‌زیاد= ۵
	انسجام اجتماعی (SS)	۸	
	اعتماد اجتماعی (ST)	٤	
تبادل دانش و تجربه (KW)	بعد فردی (KP)	۵	
	بعد فناوری (KT)	۵	
	بعد سازمانی (KS)	۱۰	

به منظور بررسی پایایی گویه‌های پرسش‌نامه نیز بر اساس روش پایداری درونی، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برای پرسش‌نامه‌ی تبادل دانش و تجربه ۰/۷٦۷ و برای پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، برابر با ۰/۸۱۱ بود. بنابراین، می‌توان گفت که گویه‌های مقیاس‌های مورد استفاده، از پایایی درونی مطلوبی برخوردارند. در بخش توصیف داده‌ها از آمارهای توصیفی فراوانی، درصد، انحراف‌معیار و میانگین بهره گرفته شد و در بخش تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای $SPSS_{16}$ و $LISREL_{8.8}$ به منظور بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش و تجربه استفاده گردید. برای بررسی و تحلیل روابط خطی بین متغیرهای مکنون و آشکار از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش حداکثر درست‌نمایی استفاده شد. برای این منظور ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری «سرمایه‌ی اجتماعی» و «تبادل دانش» برآورد شده و پس از آزمون و تأیید مدل‌های عاملی تأییدی، این مدل‌ها، وارد مدل معادلات ساختاری شدند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، سن جامعه‌ی آماری بین ۲۰ تا ۲۸ سال متغیر و میانگین سنی آن‌ها ۲۱/۸۹ سال بود. یافته‌ها در خصوص مدت اقامت در خوابگاه حاکی از آن بود که بیش‌ترین فراوانی (۹۱/۸ درصد) مربوط به دانشجویانی است که سابقه‌ی سه سال اقامت در خوابگاه را داشتند و مدت اقامت در خوابگاه بین ۲ تا ٤ سال متغیر بود. بررسی وضعیت معدل اظهارشده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

(نیم‌سال‌های گذشته) دانشجویان نشان داد که میانگین معدل آن‌ها ۱۷/۱۷ با انحراف‌معیار ۰/۹۱ است. توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب رشته‌ی تحصیلی نشان داد که ۲٤/۷ درصد در رشته‌ی مهندسی صنایع، ۳۲ درصد در رشته‌ی تربیت بدنی، ۲٤/۷ درصد در رشته‌ی گیاهان دارویی و ۱۸/٦ درصد در رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی مشغول به تحصیل هستند.

سنجش سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن

با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین مؤلفه‌ی انسجام اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه بیش‌تر از سایر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بود و چنین به نظر می‌رسد که آن‌ها در محیط خوابگاه و در مواقع ضروری از یکدیگر حمایت نموده و همبستگی مطلوبی بین آن‌ها وجود دارد. همچنین نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که مقدار t مشاهده‌شده برای مؤلفه‌های «انسجام اجتماعی» و «اعتماد اجتماعی» در سطح یک درصد (P=0.000) معنادار است و بین میانگین مشاهده‌شده و میانگین مورد انتظار (میانگین مورد انتظار ۲/٦ در نظر گرفته شده است) تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که، میانگین مؤلفه‌ی انسجام اجتماعی از میانگین مورد انتظار بالاتر و این به معنای آن است که در بین دانشجویان مورد مطالعه، همبستگی مطلوبی وجود دارد. میانگین مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی حاکی از اعتماد متوسط بین پاسخ‌گویان است؛ یعنی از دیدگاه دانشجویان، مؤلفه‌هایی چون صداقت، راستگویی و اعتماد در حد متوسط قرار دارند. در ارتباط با مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی هر چند دانشجویان اظهار داشته‌اند که به هنگام بروز مشکل به یاری یکدیگر می‌شتابند؛ اما اکثریت آن‌ها مشارکت بسیار محدودی در فعالیت‌های فوق برنامه، فعالیت‌های ورزشی و مذهبی و کارهای علمی و پژهشی داشته‌اند.از مجموع شاخص‌های مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی این نتیجه عاید می‌گردد که مجموع سرمایهی اجتماعی دانشجویان در حد متوسط بوده است (جدول۲).

جدول شماره‌ی دو- میانگین، انحراف‌معیار و نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۲/۹۸	۰/۵۹۵	-۰/۳۲	۰/۷۵۰
انسجام اجتماعی	۳/٦۲	۰/۵۲٦	۱۱/٦۳	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۲/۸۳	۰/٦۵۷	-۲/۵۵	۰/۰۰۰
مجموع سرمایه‌ی اجتماعی	۳/۲۰	۰/٤٦۸	٤/۳٦	۰/۰۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

سنجش تبادل دانش و تجربه و ابعاد آن

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که مجموع شاخص «تبادل دانش و تجربه» در بین دانشجویان دختر مورد مطالعه، در دامنه‌ی متوسط قرار دارد. یعنی میزان تبادل دانش، تجربیات، دیدگاه‌ها و اطلاعات بین پاسخ‌گویان در حد متوسط بوده است. از میان مؤلفه‌های تبادل دانش، میانگین «مؤلفه‌ی فردی» به طور معناداری بیش‌تر از سایر مؤلفه‌ها بوده و این بدان معنی است که دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به مزایای تبادل دانش داشته و خود را نیازمند یادگیری مستمر می‌دانند. میانگین مؤلفه‌ی «فناوری» به طور معناداری پایین‌تر از حد متوسط است؛ این نتیجه بدان معنی است که دانشجویان در محیط خوابگاه دسترسی محدودی به اینترنت و وسایل ارتباطی برای یادگیری و تبادل دانش دارند. در خصوص مؤلفه‌ی سازمانی نیز با توجه به این که میانگین آن در حد متوسط بوده می‌توان گفت که مسئولان خوابگاه، فضای مناسبی برای اشتراک و تبادل دانش میان دانشجویان فراهم نکرده‌اند.

جدول شماره‌ی سه- میانگین، انحراف‌معیار و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای مؤلفه‌های تبادل دانش و تجربه

مؤلفه‌های تبادل دانش و تجربه	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مؤلفه‌ی فردی	۳/۳٤	۰/۵۵۵	٤۸/٦۹	۰/۰۰۰
مؤلفه‌ی فناوری	۲/۲٦	۰/۷٦٤	۲۱/٤۷	۰/۰۰۰
مؤلفه‌ی سازمانی	۲/۸۳	۰/۵۳۲	۳٦/۷۹	۰/۰۰۰
مجموع تبادل دانش و تجربه	۲/۸۱	۰/٤۷۵	۲۸/۱۰	۰/۰۰۰

مقایسه‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی» و «تبادل دانش» در بین دانشجویان دختر بر اساس رشته‌ی تحصیلی

در این بخش از پژوهش برای بررسی تفاوت موجود بین دانشجویان رشته‌های کشاورزی با غیر کشاورزی از نظر سرمایه‌ی اجتماعی و تبادل دانش و همچنین مؤلفه‌های آن‌ها از آزمون t استفاده شد. برای این منظور دانشجویان مهندسی‌صنایع و تربیت‌بدنی به عنوان دانشجویان غیر کشاورزی با کد ۱ و دانشجویان گیاهان دارویی و ترویج و آموزش کشاورزی به عنوان دانشجویان کشاورزی با کد ۲ مشخص شدند. نتایج آزمون t نشان داد دانشجویان کشاورزی (ترویج و آموزش کشاورزی و گیاهان دارویی) و غیرکشاورزی (مهندسی صنایع و تربیت‌بدنی) از نظر مؤلفه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

فردی، مؤلفه‌ی فناوری و مؤلفه‌ی سازمانی تبادل دانش با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. همچنین از نظر مجموع تبادل دانش و تجربه نیز بین این دو گروه تفاوت معنادار است و به عبارتی، تبادل دانش و تجربه در بین دانشجویان دختر بر اساس رشته‌ی تحصیلی آن‌ها با هم متفاوت است. همان طور که در جدول ٤ ملاحظه می‌شود دانشجویان کشاورزی از نظر مؤلفه‌های فردی، فناوری و سازمانی تبادل دانش در رتبه‌ی بالاتری نسبت به دانشجویان غیر کشاورزی قرار دارند. از مجموع مؤلفه‌های تبادل دانش چنین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین تبادل دانش و تجربه در دانشجویان کشاورزی در سطح بالاتری قرار دارد. احتمالاً انجام فعالیت‌های عملی و گروهی کشاورزی و همچنین تلاش‌های این گروه آموزشی برای استفاده از دانشجویان سال بالاتر برای راهنمایی دانشجویان سال پایین‌تر (mentorship) تأثیرگذار بوده است.

جدول شماره‌ی چهار- مقایسه‌ی دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی بر اساس تبادل دانش و سرمایه‌ی اجتماعی

	مؤلفه‌ها	رشته	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مقایسه‌ی دانشجویان کشاورزی و غیر کشاورزی بر اساس تبادل دانش	مؤلفه‌ی فردی تبادل دانش	غیر کشاورزی	۳/۰۰	۰/۵۷	-۳/۱۸	۰/۰۰۲
		کشاورزی	۳/٤۱	۰/٦۸		
	مؤلفه‌ی فناوری تبادل دانش	غیر کشاورزی	۲/۵۷	۰/۹۵	-۳/۲۱	۰/۰۰۲
		کشاورزی	۳/۱۷	۰/۸٤		
	مؤلفه‌ی سازمانی تبادل دانش	غیر کشاورزی	۲/۱۳	۰/۵۲	-۳/٦۱	۰/۰۰۰
		کشاورزی	۲/۵۰	۰/٤۷		
	مجموع تبادل دانش و تجربه	غیر کشاورزی	۲/۱۸	۰/٤۵	-٤/۳۵	۰/۰۰۰
		کشاورزی	۲/۵۷	۰/٤۰		
مقایسه‌ی دانشجویان کشاورزی و غیر کشاورزی بر اساس سرمایه‌ی اجتماعی	مشارکت اجتماعی	غیر کشاورزی	۲/٦۰	۰/۷۲	-۲/۱۹	۰/۰۳۱
		کشاورزی	۲/۹۲	۰/٦٦		
	انسجام اجتماعی	غیر کشاورزی	٤/۰٤	۰/٦۲	-۰/۰۱٤	۰/۹۸۹
		کشاورزی	٤/۰۵	۰/۵۱		
	اعتماد اجتماعی	غیر کشاورزی	۳/۵۰	۰/٦۲	۰/۷۱۵	۰/٤۷٦
		کشاورزی	۳/٤۱	۰/۷۳		
	مجموع سرمایه-ی اجتماعی	غیر کشاورزی	۳/۱٦	۰/٤۹	-۱/۱۱	۰/۲٦۷
		کشاورزی	۳/۲۷	۰/٤۲		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

از میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، فقط میانگین مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی بین دو گروه دانشجویان کشاورزی و غیر کشاورزی معنادار است. بدین معنا که بین این دو گروه از نظر مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، دانشجویان کشاورزی از مشارکت اجتماعی بیش‌تری برخوردارند؛ اما از نظر اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی تفاوتی بین این دو گروه وجود ندارد. به نظر می‌رسد ماهیت کارهای کشاورزی که در این دانشگاه حول محور ترویج و توسعه‌ی گیاهان دارویی و معطر دور می‌زند؛ برای دانشجویان جالب بوده و توانسته است زمینه‌ی مشارکت بیش‌تر ایشان را در این فعالیت‌ها در قالب انجمن‌های علمی فراهم آورد. همچنین از نظر مجموع شاخص سرمایه‌ی اجتماعی نیز تفاوت معناداری بین دانشجویان کشاورزی و غیرکشاورزی وجود ندارد (جدول ٤).

مدل اندازه‌گیری: در این بخش با استفاده از مدل‌های اندازه‌گیری معادلات ساختاری، صحت سنجش سازه‌ها توسط شاخص‌های مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون این فرضیه که نشانگرهای انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده‌ی متغیر مکنون هستند، استفاده می‌شود. به تعبیری، مشخص می‌شود که آیا سؤالات مربوط به هر سازه واقعاً می‌تواند سازه‌ی مورد نظر را بسنجد. این روش در پی آن است که تعیین کند که آیا تعداد عامل‌های اندازه‌گیری شده با آن چه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارد (محسنین و اسفیدانی،۱۳۹۲: ۸۵).

ارزیابی مدل اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی

به منظور برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به شاخص «سرمایه‌ی اجتماعی»، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم افزار $LISREL_{8.8}$ از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۵، شاخص‌های برازندگی به‌دست‌آمده نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده‌شده می‌باشند. از آن جایی که در این مطالعه، سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خود از ابعاد گوناگونی مانند مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی تشکیل شده و هر یک از این ابعاد نیز به نوبه‌ی خود توسط گویه‌هایی مورد سنجش قرار گرفته‌اند؛ از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه‌ی دوم استفاده شده است. یکی از شاخص‌های برازش مدل، شاخص میانگین ریشه‌ی مجذورات (RMSEA) می‌باشد. در مدل حاضر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

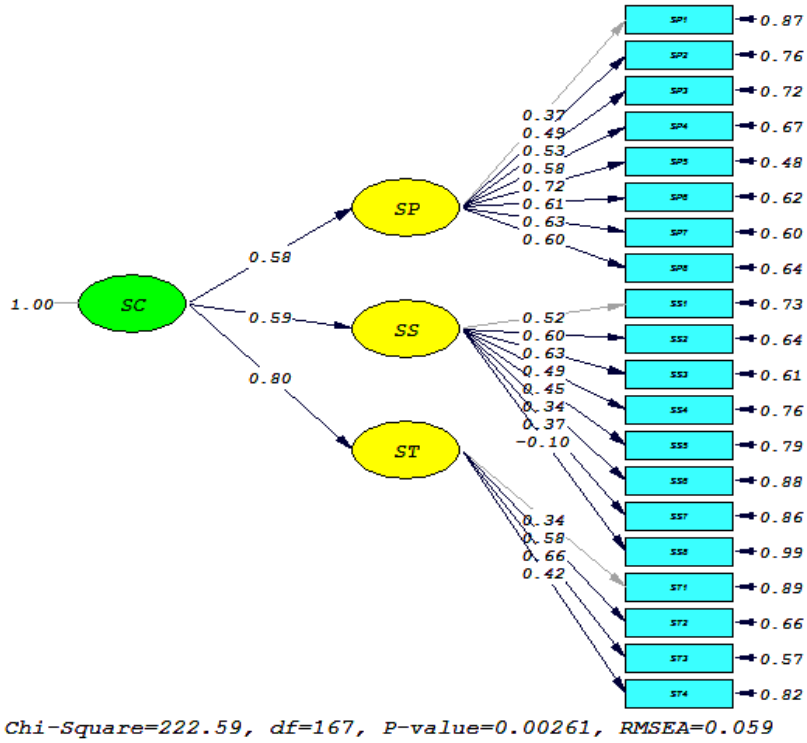
این شاخص برابر با ۰/۰۵۹ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده‌شده می‌باشد.

جدول شماره‌ی پنج- نتایج شاخص‌های برازش مدل

شاخص تناسب	حد مطلوب	نتیجه در پژوهش	وضعیت
χ^2/df	3 ≻ کوچک‌تر از ۳	۱/۳۳	مطلوب
p-value	0.05 ≻ کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵	۰/۰۰۲۶۱	مطلوب
RMSEA	0.08 ≤ کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۸	۰/۰۵۹	مطلوب
GFI	0.9 ≻ بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۸۶	نسبتاً مطلوب
AGFI	0.9 ≻ بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۸۰	نسبتاً مطلوب

شاخص دیگر، شاخص نیکویی برازش (GFI) است که در این جا مقدار آن ۰/۸۶ می‌باشد. مقدار شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI) نیز برابر با ۰/۸۰ است که در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. همچنین نسبت خی دو به درجه‌ی آزادی (۱/۳۳) نیز کمتر از ۳ است که نشان‌دهنده‌ی تناسب مدل مفهومی پژوهش با داده‌های مشاهده‌شده می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که کیفیت برازش کلی مدل اندازه‌گیری «سرمایه‌ی اجتماعی» در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد. همان‌طور که مدل برازش‌شده در شکل ۱ نشان می‌دهد؛ بارهای عاملی استانداردشده‌ی گویه‌ها حاکی از آن است که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار سازه‌ای مناسبی برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از ضرایب معناداری نشان داد که مقادیر به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه (به جز متغیر SS_8) بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنادار بوده است.

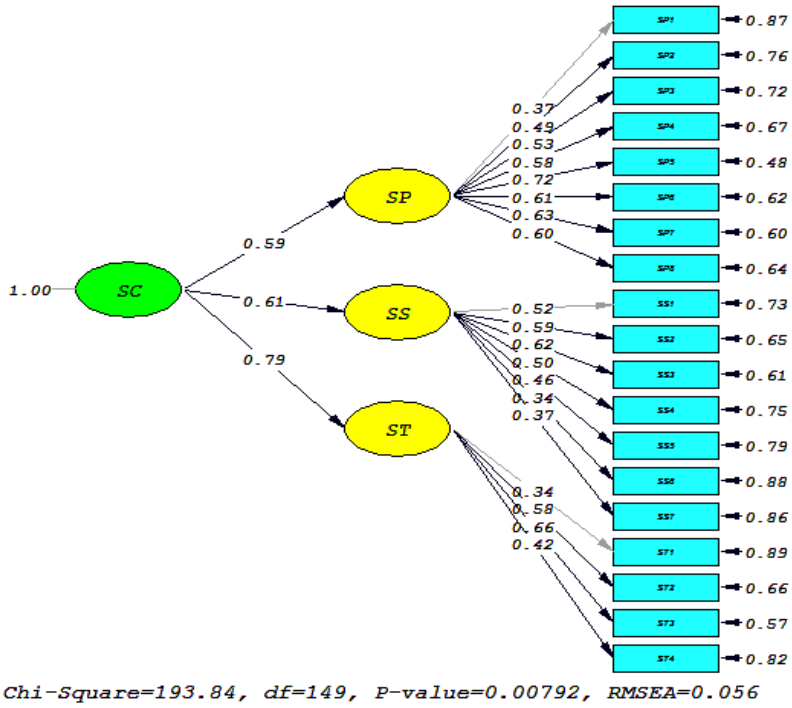
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]



شکل شماره‌ی یک- مدل اندازه‌گیری سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در حالت تخمین استاندارد

برای بهبود مدل می‌توان متغیر SS_8 را حذف نمود تا مدل پیرایش‌شده و نهایی حاصل گردد. با توجه به شکل ۲، در مدل اصلاح‌شده، ضرایب استانداردشده حاکی از همبستگی معنادار بین متغیرهای مکنون و شاخص‌های متناظر با آن‌ها می‌باشد و می‌توان گفت سؤالات مورد نظر از قدرت تبیین نسبتاً خوبی برخوردارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]



شکل شماره‌ی دو- مدل اصلاح‌شده‌ی سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در حالت تخمین استاندارد

همچنین شاخص‌های برازش مدل (مانند RMSEA، GFI، AGFI و غیره) نیز تا حدودی بهبود یافتند. مدل معناداری یا همان T-Value نیز نشان داد که کلیه‌ی پارامترهای مدل اصلاح‌شده از قدر مطلق عدد ۱/۹۶ بزرگ‌تر بوده و لذا روایی سازه‌های اندازه‌گیری متغیرهای مربوطه تأیید شد.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری تبادل دانش و تجربه

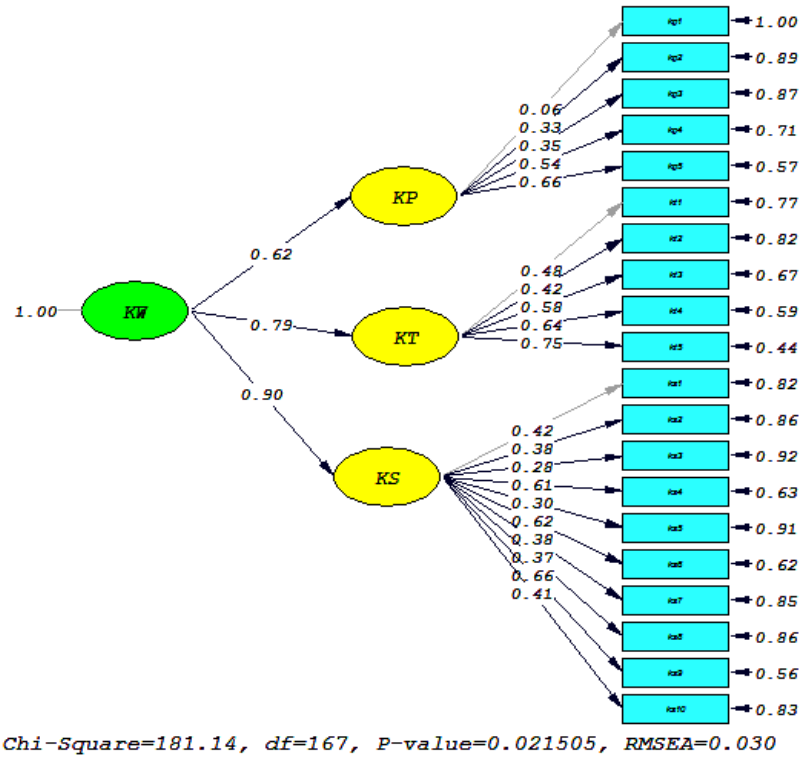
در این بخش از تحقیق، به منظور بررسی روایی سازه «تبادل دانش و تجربه» از تحلیل عاملی تأییدی به کمک نرم‌افزار لیزرل بهره گرفته شد. خروجی نرم‌افزار نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن مدل ساختاری برازش‌یافته است (نسبت χ^2 به df کوچک‌تر از ۳ می‌باشد). سایر شاخص‌های برازش مدل در جدول ٦ آمده است. با توجه به نتایجی که از خروجی نرم‌افزار لیزرل به دست آمده، می‌توان برازش مناسب مدل را نتیجه گرفت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جدول شماره‌ی شش- نتایج شاخص‌های برازش مدل

شاخص تناسب	حد مطلوب	نتیجه در پژوهش	وضعیت
χ^2/df	3 ≻ کوچک‌تر از ۳	۱/۰۸	مطلوب
p-value	0.05 ≻ کوچک‌تریا مساوی ۰/۰۵	۰/۰۲۱۵۰	مطلوب
RMSEA	0.08 ≤ کوچک‌تریا مساوی ۰/۰۸	۰/۰۳۰	مطلوب
GFI	0.9 ≻ بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۸۶	نسبتاً مطلوب
AGFI	0.9 ≻ بزرگتر از ۰/۹	۰/۸۱	نسبتاً مطلوب

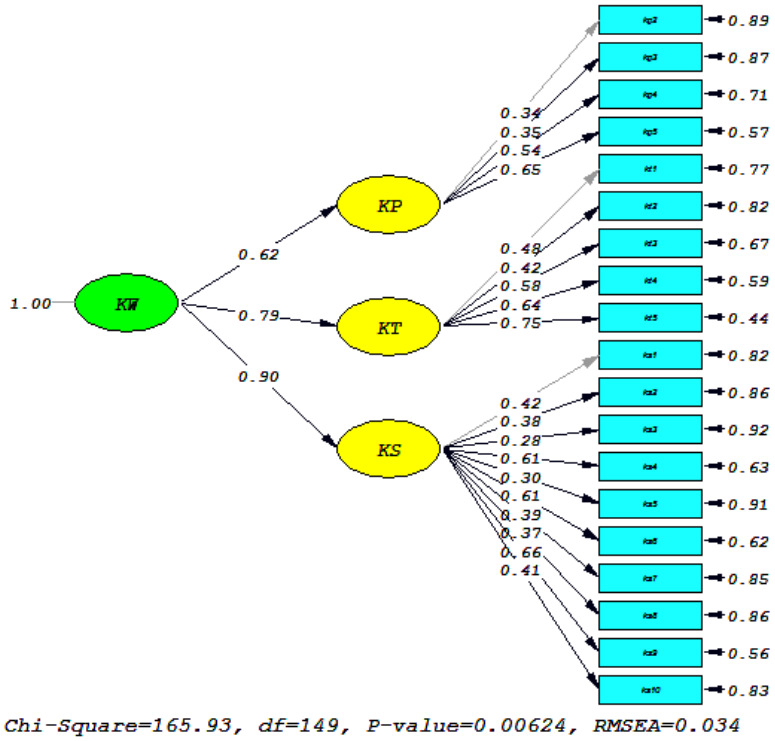
شکل ۳ مدل اندازه‌گیری سازه «تبادل دانش و تجربه» را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. نتایج تخمین (قسمت زیرین شکل) حاکی از مناسب بودن مدل پژوهش است.



شکل شماره‌ی سه- مدل اندازه‌گیری سازه‌ی تبادل دانش و تجربه در حالت تخمین استاندارد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقدار RSMEA برابر با ۰/۰۳۰ می‌باشد که نشان از خوبی برازش دارد. همچنین مقدار شاخص‌های برازندگی مطلق مدل (GFI و AGFI) به ترتیب برابر با ۰/۸۶ و ۰/۸۱ است که حاکی از مناسب بودن مدل ساختاری برازش‌یافته است. مدل معناداری نیز نشان داد که مقادیر به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه (به جز متغیر KP_1) بزرگ‌تر از قدرمطلق ۱/۹۶ بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنادار بوده است. برای اصلاح مدل اندازه‌گیری «تبادل دانش و تجربه» متغیر KP_1که T-Value آن کم‌تر از ۱/۹۶ بود حذف و بار دیگر مدل اجرا شد. نتایج حاصل از ضرایب استانداردشده نشان داد که همبستگی معناداری بین متغیرهای مکنون و شاخص‌های متناظر با آن‌ها وجود دارد. همچنین با توجه به این که روابط بین کلیه‌ی پارامترهای مدل اصلاح‌شده معنی‌دار شدند (مقادیر T-Value آن‌ها بالای ۱/۹۶– و ۱/۹۶+ به دست آمد)؛ لذا روایی و اعتبار مدل مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، با اطمینان می‌توان گفت مؤلفه‌های فردی، فناوری و سازمانی بخش قابل توجهی از سازه «تبادل دانش و تجربه» را از دیدگاه دانشجویان تبیین می‌نمایند.



شکل شماره‌ی چهار– مدل اصلاح‌شده‌ی سازه‌ی تبادل دانش و تجربه در حالت تخمین استاندارد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مدل ساختاری (تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش و تجربه)

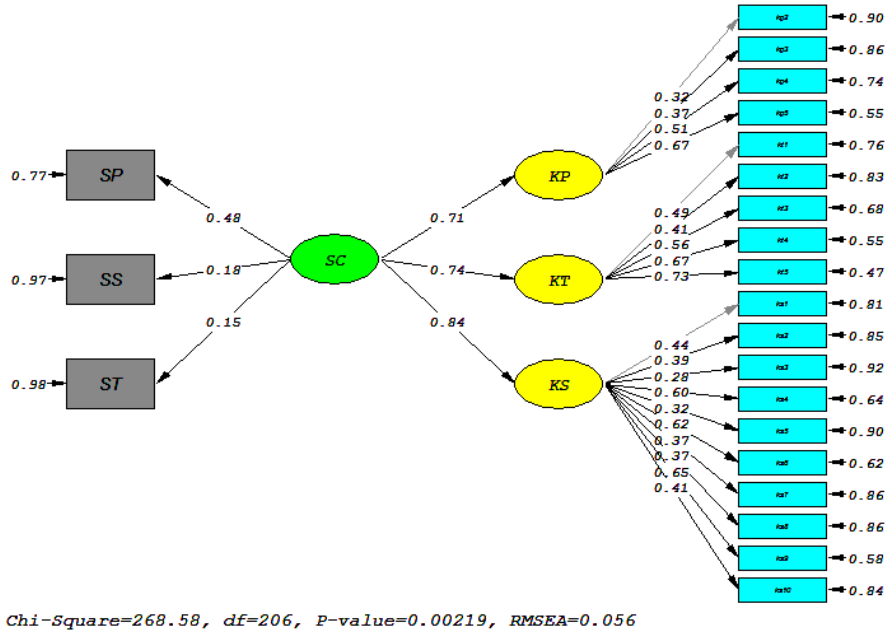
پس از برآورد مدل‌های اندازه‌گیری، دومین مرحله در برآورد مدل، آزمون معناداری ضرایب مسیر فرض‌شده در مدل پژوهش است. برای این منظور از مدل‌سازی معادلات ساختاری به منظور بررسی روابط علی بین متغیر مکنون (تبادل دانش و تجربه) و متغیرهای قابل‌مشاهده (مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی) استفاده شد. قبل از تأیید روابط ساختاری مدل پژوهش، باید از مناسب‌بودن و برازش مطلوب آن اطمینان حاصل نمود.

جدول شماره‌ی هفت- شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش

شاخص تناسب	حد مطلوب	نتیجه در پژوهش	وضعیت
χ^2/df	$\prec 3$	۱/۳۰	مطلوب
(RMSEA)	≤ 0.08	۰/۰۵۶	مطلوب
شاخص برازندگی (GFI)	≥ 0.85	۰/۸۷	مطلوب
شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI)	≥ 0.80	۰/۸۲	مطلوب
برازش مقایسه‌ای (CFI)	≥ 0.90	۰/۹۱	مطلوب
برازش نرم (NFI)	≥ 0.80	۰/۷۸	نسبتاً مطلوب
برازش غیرنرم (NNFI)	≥ 0.80	۰/۸۲	مطلوب
برازش افزایشی (IFI)	≥ 0.90	۰/۸۹	نسبتاً مطلوب

نتایج حاصل از آزمون برازندگی مدل در جدول ۷ آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی معیارها، برازش مناسب مدل را تأیید می‌نمایند. لذا مدل مفهومی مورد مطالعه و روابط بین متغیرهای نهفته‌ی درونی و بیرونی مورد تأیید است. شکل ۵ مدل تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش و تجربه را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد و از ۲۲ متغیر آشکار و ٤ متغیر پنهان تشکیل شده است که یک متغیر آن بیرونی (سرمایه‌ی اجتماعی) و سه متغیر دیگر (بعد فردی تبادل دانش، بعد فناوری تبادل دانش و بعد سازمانی تبادل دانش) درونی می‌باشند. تمام ضرایب در مدل مذکور مثبت‌اند و این امر حاکی از ارتباط مستقیم متغیرها با یکدیگر است و سرمایه‌ی اجتماعی بر همه‌ی ابعاد تبادل دانش و تجربه تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]



شکل شماره‌ی پنج- مدل تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش در حالت تخمین استاندارد

برای بررسی میزان معناداربودن ضرایب مسیرها لازم است تا مقدار t بالای ۱/۹۶- و ۱/۹۶+ باشد. مقدار t ضرایب مسیر نشان داد که مسیر (SC) بر (SS) و مسیر (SC) بر (ST) معنادار نیست؛ اما سایر مسیرها مورد تأیید قرار گرفتند. با توجه به ضرایب مسیر استانداردشده، شاخص سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌ترین تأثیر معنادار را بر مؤلفه‌ی سازمانی تبادل دانش و تجربه با ضریب ۰/۸٤ داشته است. پس از آن سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را بر مؤلفه‌ی فناوری تبادل دانش با ضریب ۰/۷٤ و سپس مؤلفه‌ی فردی با ضریب ۰/۷۱ داشته است (جدول۸).

جدول شماره‌ی هشت- مقادیر ضرایب اثر سازه‌ها بر یکدیگر به همراه مقادیر معناداری

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
سرمایه‌ی اجتماعی بر مؤلفه‌ی فردی تبادل دانش	۰/۷۱	۲/۳٦	۰/۰۱
سرمایه‌ی اجتماعی بر مؤلفه‌ی فناوری تبادل دانش	۰/۷٤	۳/۷۷	۰/۰۱
سرمایه‌ی اجتماعی بر مؤلفه‌ی سازمانی تبادل دانش	۰/۸٤	۳/٦۰	۰/۰۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بنابراین، همان‌طور که از نتایج بر می‌آید، سرمایه‌ی اجتماعی بر همه‌ی ابعاد تبادل دانش و تجربه، تأثیر مثبت و معنادار داشته، بدین معنا که هر چه سرمایه‌ی اجتماعی در بین دانشجویان بیش‌تر باشد، به میزان بیش‌تری به تبادل تجارب، اطلاعات، ایده‌ها و افکار با یکدیگر پرداخته و این امر موجب بروز خلاقیت و نوآوری و یادگیری بین دانشجویان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تبادل دانش و تجربه‌ی میان دانشجویان دانشگاه نهاوند انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که وضعیت تبادل دانش و تجربه در بین دانشجویان دختر در حد متوسط بوده است. در عین حال «مؤلفه‌ی فردی تبادل دانش» بالنسبه در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته و این نتیجه حاکی از آن است که دانشجویان دیدگاه مثبتی نسبت به فواید اشتراک دانش و تجربیات در میان یکدیگر دارند. همچنین تمایل زیادی به یادگیری داشته و در کارها از سایر دانشجویان مشورت می‌گیرند. بررسی تأثیر رشته‌ی تحصیلی دانشگاهی بر تبادل دانش و تجربه و سرمایه‌ی اجتماعی نشان داد که دانشجویان کشاورزی در تبادل دانش و تجربه به طور اعم و در مؤلفه‌های آن به طور اخص وضعیت بهتری نسبت به سایر دانشجویان داشتند که احتمالاً ماهیت فعالیت‌های کشاورزی در موضوع ترویج و توسعه‌ی گیاهان دارویی و معطر که نسبتاً کم‌هزینه‌تر بوده و سریع‌تر به بار می‌نشینند می‌تواند دلیل این موضوع باشد.

میانگین شاخص سرمایه‌ی اجتماعی نشان داد که این شاخص در بین دانشجویان متوسط به بالاست و این امر بدان معنی است که پاسخ‌گویان از پیوندهای اجتماعی نسبتاً مطلوبی که مبتنی بر جنسیت، قومیت، دین و موقعیت اجتماعی است، برخوردارند. همین سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند زمینه را برای افزایش بازدهی دانشجویان و رشد و شکوفایی آن‌ها فراهم آورد. در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی سازنده‌ی یک منبع ارزشمند برای انجام امور اجتماعی است. نتایج تحقیقات نکونام و همکاران (۱۳۹٤) و قنادان و اندیشمند (۱۳۸۸) با نتیجه حاصل از این بخش هم‌خوانی دارد. از میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط بوده و این بدان معنی است که دانشجویان در محیط خوابگاه به قوانین و مقررات وضع‌شده احترام می‌گذارند؛ از اقداماتی که منافع سایر دانشجویان را به مخاطره می‌اندازد، پرهیز می‌کنند؛ به تعامل با دانشجویانی از قومیت‌ها و فرهنگ‌های دیگر تمایل دارند؛ در برخورد با مسایل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

غیرمنتظره زندگی منطقی بوده و از انعطاف‌پذیری لازم برخوردارند و به طور کلی پیوندهای اجتماعی مناسبی بین آن‌ها وجود دارد. رحیمی و محمدیان (۱۳۹٤) نیز در مطالعه‌ی خود به نتیجه مشابهی دست یافتند. در عین حال، نتایج حاکی از آن بود که مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی به طور معنی‌داری پایین‌تر از حد متوسط است. این در حالی است که عنصر اعتماد حساس‌ترین مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بوده و همیشه در معرض تخریب قرار دارد. این عنصر، روابط اجتماعی و سایر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی را شکل داده و زمینه‌ساز مشارکت است. در این راستا، تشویق دانشجویان به مشارکت در همایش‌های علمی، انجام تحقیقات به صورت تیمی، عضویت در انجمن‌های دانشجویی و غیره می‌تواند بر میزان اعتماد اجتماعی و در نتیجه سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان بیافزاید. شرکت دانشجویان در این گونه فعالیت‌ها، موجب افزایش شناخت آن‌ها نسبت به یکدیگر شده، نکات مبهم و سوء تفاهمات احتمالی در روابط را برطرف نموده و موجب افزایش اعتماد و دوام روابط مبتنی بر آن می‌شود. نتایج مطالعات آیو (۲۰۱٦)، السیفی و همکاران (۲۰۱٦) و منوریان و همکاران (۲۰۱۳) نتایج این بخش را تأیید می‌کند. در خصوص مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی نتایج نشان داد که اکثریت دانشجویان مورد مطالعه مشارکت اندکی در فعالیت‌های فوق برنامه، فعالیت-های ورزشی و مذهبی، کارهای علمی و پژهشی و همکاری با نهادها و سازمان‌های مرتبط با رشته‌ی تحصیلی خود داشته‌اند. در این راستا، بسترسازی مناسب در دانشگاه‌ها برای انجام فعالیت-های گروهی دانشجویی و دخالت و مشارکت‌دادن دانشجویان در امور فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی به صورت تشکیلاتی و سازمان‌یافته موجب می‌شود دانشجویان عملاً با بسیاری از ملاحظات، الزامات و حتی محدودیت‌های مرتبط با فعالیت‌های جمعی آشنا شده و میزان روابط اجتماعی خود را گسترش دهند، این امر می‌تواند زمینه‌ی تقویت مشارکت اجتماعی را در آن‌ها فراهم سازد.

در بخش مدل‌یابی معادلات ساختاری نتایج نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی بر تمامی مؤلفه-های تبادل دانش و تجربه تأثیر مستقیم و معنادار داشته و ۲٦ درصد از واریانس این مؤلفه را تبیین می‌نماید. بنابراین، افزایش در مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، با افزایش تبادل دانش و تجربه در بین دانشجویان همراه است. به تعبیری، بهبود و ارتقاء اشتراک دانش مستلزم هم‌افزایی بین سه مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی(مشارک اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی) است. نتایج مطالعات دسترنج (۲۰۱٦)، اسمیت و همکاران (۲۰۱۵)، کاوالیر و لامباردی (۲۰۱۵)، زو و همکاران (۲۰۱٤)، عبداله و همکاران (۲۰۱۱) و گل‌محمدنژاد بهرامی و مهدوی (۱۳۹۰) نیز مؤید همین مطلب است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

با توجه به این که شرایط محیطی متأثر از سرمایه‌ی اجتماعی نقش به‌سزایی در فرآیند تبادل دانش و ایده‌ها بین دانشجویان داشته، بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بهبود سرمایه‌ی اجتماعی در محیط خوابگاه می‌تواند موجب تسهیل و ارتقاء فرآیند اشتراک دانش گردد. زمانی که در یک سازمان شبکه‌های ارتباطی اثرگذاری وجود داشته باشد و میان اعضا سطح بالایی از اعتماد و انسجام برقرار باشد؛ فرستندگان و گیرندگان دانش به راحتی می‌توانند از کوتاه‌ترین مسیر به اطلاعات و دانش مورد نیاز خود دسترسی یابند. این امر به یقین سبب پیشبرد انتقال دانش میان اعضا می‌گردد. در چنین محیطی دانشجویان زمانی که تجارب جدیدی کسب می‌کنند تمایل به در میان گذاشتن آن دانش با سایر دانشجویان داشته و سهیم‌شدن در اطلاعات، مهارت‌ها و تجارب یکدیگر را امری عادی و مورد قبول در نظر می‌گیرند. از همین رو، مسئولان خوابگاه می‌توانند با تلاش در جهت اعتمادسازی، ارتقاء روحیه‌ی کار تیمی و طرح‌ریزی ارتباطات داخلی در بین دانشجویان زمینه‌های تقویت و افزایش تبادل و اشتراک دانش را از راه بهبود سرمایه‌های اجتماعی ایجاد کنند. تقویت جوی که آکنده از اعتماد و همکاری متقابل بین افراد باشد، انگیزه‌ی آنان را برای تبادل ایده‌ها و تجربیات افزایش داده و گامی مستحکم در جهت توسعه‌ی این فرآیند می‌باشد. یکی از اقداماتی که در این راستا می‌تواند انجام گیرد، راه‌اندازی اتاق فکر برای تبادل تجربیات میان دانشجویان در محیط خوابگاه است تا از این طریق، باعث بهبود نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر اشتراک دانش شوند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

منابع

۱. ابیلی، خدایار و زراع‌خلیلی، مجتبی. (۱۳۹۲). رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی با مدیریت دانش در یک شرکت بیمه دولتی. *پژوهش‌نامه‌ی بیمه*، ۲۸ (۲)، ۱۵۲-۱۲۹.

۲. بهشتی، محمدباقر و نصراللهی وسطی، لیلا. (۱۳۹۵). تحلیل پویای نقش سرمایه‌ی اجتماعی در فرآیند توسعه: رویکردی بین رشته‌ای. *فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی*، ۲۵ (۷۲)، ۳۱-۱.

۳. رحیمی، حمید و محمدیان، آسیه. (۱۳۹٤). تحلیل روابط ساده و چندگانه‌ی بین هوش اخلاقی و سرمایه‌ی اجتماعی با میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه. *فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی*، ٤ (۱)، ۹۵-٦۹.

٤. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸٤). سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی. *مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی*، ش ۲۹، ۱٦ .

۵. قنادان، محمود و اندیشمند، ویدا. (۱۳۸۸). نقش دانشگاه در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی به منظور ارائه‌ی الگوی پیشنهادی برای ارتقاء نظام آموزش عالی کشور. *مجله‌ی دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی*، ۲۳، ٤٤-۲۳.

٦. گل‌محمدنژاد، غلامرضا و مهدوی، مولود. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت دانش در دبیرستان‌های دخترانه‌ی شهر تبریز. *فصل‌نامه‌ی تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۲ (٤)، ۹۰-۷۱.

۷. محسنین، شهریار و اسفیدانی، محمدرحیم. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار لیزرل (آموزشی و کاربردی)*. تهران: انتشارات کتاب نشر مهربان.

۸. نکونام، محمدصدیق، احمدی، آرمان و عباسی‌چری، رضا. (۱۳۹٤). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی(درون‌گروهی و برون‌گروهی) بر سلامت روان دانشجویان(مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تبریز). *فصل‌نامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۵ (۱۷)، ۱۸٤-۱٦۳.

۹. هادی‌زاده مقدم، اکرم، قلیچ‌لی، بهروز و محبی، پروین. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی بین تسهیم دانش و نوآوری در سازمان‌های خدمات مالی: بانک رفاه کارگران. *مجله‌ی پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۷ (۱)، ۲۰۷-۱۸۷.

10. Abdullah, N. L., Hamzah, N., Arshad, R., Mat Isa, R. and Ghani, R. A. (2011). Psychological Contract and Knowledge Sharing among Academicians: Mediating Role of Relational Social Capital. International Business Research, 4(4), 231-241.

11. Adler, P. and Kwon, S. W. (2002). Social Capital: Prospects for a new concept, Academy of Management Review 27(1), 17-40.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

12. Al Saifi, S. A., Dillon, S. and McQueen, R. (2016). The Relationship between Face to Face Social Networks and Knowledge Sharing: An Exploratory Study of Manufacturing Firms. Journal of Knowledge Management, 20 (2), 308-326.
13. Argote, L. and Ingram, P. (2000). Knowledge transfer: a basis for competitive advantage in firms. *Organization Behavior Human Decision Processes*, 82, 150-169.
14. Au, T. D. (2016). Using open innovation model to enhance knowledge sharing in Vietnam University. Journal of Administrative and Business Studies, 2(5), 241-247
15. Belenky, M., Clinchy, B., Goldberger, N., & Tarule, J. (1997). Women's way of knowing: Redevelopment of self, voice (revised ed.).
16. Bontis, N. (2001). Managing organizational Knowledge by diagnosing intellectual capital: framing and advancing the state of the field. *Idea Group publishing*, 271-301.
17. Bresman, H., Birkinshaw, J. and Nobel, R. (1990). Knowledge transfer in international acquisitions. Journal of International Business Studies, 30 (33), 439-62.
18. Cavaliere, V. and Lombardi, S. (2015). Exploring different cultural configurations: how do they affect subsidiaries' knowledge sharing behaviors? *Journal of Knowledge Management*, 19 (2), 141-63.
19. Chang, H. H. and Chuang, S.S. (2011). Social capital and individual motivations on knowledge sharing: participant involvement as a moderator. *Information & Management*, 48 (1), 9-18.
20. Chen, J. S. and Lovvorn, A. S. (2011). The speed of knowledge transfer within multinational enterprises: the role of social capital. International Journal of Commerce and Management, 21 (1), 46-62.
21. Chiang, H.H., Han, T.S. and Chuang, J.S. (2011). The relationship between high-commitment HRM and knowledge-sharing behavior and its mediators. International Journal of Manpower, 32 (5-6), 604-622.
22. Cohen, D. and Prusak, L. (2001). In Good Company. How Social Capital Makes Organizations Work, Harvard Business School Press, Boston, MA.
23. Coromina Soler, L. (2006). Social Networks and Performance in Knowledge Creation: An Application and Methodological Proposal. PhD. Dissertation, Department of Economics, University of Giron.
24. Dastranj, M. (2016).A Correlation Study between Social Capital and Knowledge Management with Emphasis on the Human Capital - The Case Study: Payame Noor University of Hormozgan (Bandarabbas). Asian Social Science, 12 (6): 116-122.
25. Davenport, T. and Prusak, L. (1998). Working knowledge: How organizations manage what they know. Boston: Harvard Business School press.
26. Díez-Vial, I., and Montoro-Sánchez, A. (2014). Social capital as a driver of local knowledge exchange: a social network analysis. Knowledge Management Research & Practice, 12, 276-288.
27. Faccin, K., Genari, D. and Macke, J. (2016). Interorganisational social capital and innovation: a multiple case study in wine producers networks in Serra Gaúcha. RAI Revista de Administração e Inovação xxx (2016) xxx–xxx.
28. Filieri, R. and Alguezaui, S. (2014). Structural social capital and innovation. Is knowledge transferring the missing link? Journal of Knowledge Management, 18 (4), 728-757.
29. Huysman, M. and Wulf, V. (2006). IT to support knowledge sharing in communities, towards a social capital analysis. Journal of Information Technology, 21, 40–51.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

30. Kogut, B. and Zander, U. (1992). Knowledge of the firm, combinative capabilities and the replication of technology. Organization Science, 3(3), 383-97.
31. Lee, S., Park, J. G. and Lee, J. (2015). Explaining knowledge sharing with social capital theory in information systems development projects. Industrial Management & Data Systems, 115 (5), 883-900.
32. Lesser, E.L. (Ed.) (2000). Knowledge and Social Capital, Butterworth-Heinemann, Oxford.
33. Lin, N. (2001). Social Capital: A Theory of Social Structure and Action, Cambridge University Press, Cambridge.
34. Manning, P. (2010). Explaining and developing social capital for knowledge management purposes. Journal of Knowledge Management, 14 (1), 83-99.
35. McElroy, M.W., Jorna, R.J. and Engelen, J.V. (2006). Rethinking social capital theory: a knowledge management perspective. Journal of Knowledge Management, 10(5), 124-36.
36. Monavvarian, A., Asgari, N., Akhavan, P., and Ashena, M. (2013). Developing social capital for facilitating knowledge management practices. International Journal of Social Economics, 40 (9), 826-844.
37. Mu, J., Peng, G. and Love, E. (2008). Inter firm networks, social capital, and knowledge flow. Journal of Knowledge Management, 12 (4), 86-100.
38. Nahapiet, J. and Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. Academy of Management Review, 23 (2), 242-266.
39. Park, J.G. and Lee, J. (2014). Knowledge sharing in information systems development projects: explicating the role of dependence and trust. International Journal of Project Management, 32 (1), 153-165.
40. Peng Lin, C. (2011). Modeling job effectiveness and its antecedents from a social capital perspective: A survey of virtual teams within business organization. Journal of computers in Human Behavior, 27, 915-923.
41. Putnam, R. (2000). *The collapse and revival of American community*, New York: Simon and Schuster.
42. Sechi, G., Borri, D., De Lucia, C. and Celmins, V. (2011). Social capital as knowledge facilitator: evidence from Latvia .Knowledge Management Research & Practice, 9, 245–255.
43. Shu, C., Page, A.L., Gao, S. and Jiang, X. (2012). Managerial ties and firm innovation: is knowledge creation a missing link? *Journal of Product Innovation Management*, 29 (1), 125-143.
44. Smedlund, A. (2008). The knowledge system of a firm: social capital for explicit, tacit and potential knowledge. Journal of Knowledge Management, 12 (1), 63-77.
45. Smith, C., Beer, M. D. and Mason, R. B. (2015).Tacit Knowledge Sharing Behavior, Within A Relational Social Capital Framework, In A South African University Of Technology. *The Journal of Applied Business Research, (31), 6, 2091-2105*.
46. Sturbuck, W.H. (1995). Learning by knowledge intensive firms. *Journal of Management Studies*, 29 (6), 713-740.
47. Szulanski, G. (1996). Exploring stickiness: impediments to the transfer of best practice within the firm. Strategic Management Journal, 17, 27-43.
48. Van, A., Hendriks, D. P. and Romo-Leroux, I. (2016). Knowledge sharing and social capital in globally distributed execution. Journal of Knowledge Management, 20 (2), 1-17.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

49. Watkins, K., Marsick, V. (2003). Dimensions of the learning organization questionnaire (DLOQ). Sanfransisco.
50. Widen-Wulff, G. and Ginman, M. (2004). Explaining knowledge sharing in organizations through the dimensions of social capital. Journal of Information Sciences, 30 (5), 448-58.
51. Yang, J., Alejandro, T. G. B. Boles, J. S. (2011). The role of social capital and knowledge transfer in selling center performance. Journal of Business & Industrial Marketing, 26 (3), 152-161.
52. Yen, Y. F., Tseng, J. F. and Wang, H. K. (2015). The effect of internal social capital on knowledge sharing. Knowledge Management Research & Practice, 13, 214–224.
53. Yli-Renko, H., Autio, E. and Sapienza, H.J. (2001). Social capital, knowledge acquisition, and knowledge exploitation in young technology based firms. Strategic Management Journal, 22, 578-613.
54. Yu, T., Lu, L. and Liu T. (2009). Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via Weblogs. *Journal of Computers in Human Behavior*, 8 (1), 340-346.
55. Zhou, J., Zuo, M., Yu, Y. and Chai, W. (2014). How fundamental and supplemental interactions affect users' knowledge sharing in virtual communities? A social cognitive perspective. *Internet Research*, 24 (5), 566-86.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]